



Survey of Evolution Mughal Empire Audience Hall and its Effect on the Safavid Hypostyle

Ahmad Heidari^{✉ 1}

1. Assistant Professor, Department of Art and Architecture, Birjand Branch, Islamic Azad

University, Birjand, Iran. E-mail: ahmad..heidari@iaubir.ac.ir

Article Info.	Abstract	
Received: 2023/10/16	Courtyard, corridor and iwan are among the elements that have played an important role in information the living spaces of a residential unit, both private and public. The public part of a structure is known as the porch and exterior, and its function has been a place to receive an official guest or a place for ceremonies and public gatherings. In the meantime, the hypostyle design (hypostyle) is one of the elements that was added to some buildings such as Aliaqapo and Chehelston during the reign of Shah Abbas II Safavid and then spread in different forms. The resemblance of the Safavid hypostyle to the general court of the Shah Jahan period, which had become common in India a little earlier, led some scholars to consider the Safavid hypostyle as a representation of the Audience hall Gurkani. The question of this research is why and how hypostyle became popular in Safavid architecture and how was its origin or evolution? This research has been done by descriptive-analytical method. The result of the research shows that hypostyle Mughal Empire is a combination of Achaemenid columned halls and Mandapa of Hindu temples and was first built in India during the Shah Jahan period and then Safavid borrowed from it. This element became desirable in Iranian architecture and in order to create a suitable open and empty space, after the Safavid period in the nave of the mosques of Zandieh and Qajar period, it has been used in a transformed way.	
Accepted: 2024/12/26		
Keywords: <i>Hypostyle, Jahrokeh, Divan-e-Aam, Shah Jahan, Shah Abbas II</i>		
How To Cite: Author, Heidari, Ahmad. (2025). Survey of Evolution Mughal Empire Audience Hall and its Effect on the Safavid Hypostyle. Journal of Iranian Studies 15(1) 125-154		
Publisher: University of Tehran Press.		







سیر تحول دیوان‌عام گورکانی و تأثیر آن بر ستاوند صفویه

احمد حیدری^۱

۱. استادیار، گروه هنر و معماری، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: ahmad.heidari@iaubir.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

در بناهای تاریخی، بخش بیرونی یا عمومی یک سازه به نام‌های دیوان‌عام، ایوان و تالار پذیرایی شناخته شده و عملکرد آن، پذیرایی از میهمانان رسمی یا مکانی برای اجرای تشریفات رسمی و بارعام بوده است. طرح ستاوند از جمله عناصری است که در دوره صفویه در بناهایی مانند آینه‌خانه، عالی‌قاپو و چهلستون ایجاد می‌شود. شباهت ستاوند صفویه با دیوان‌عام دوره شاهجهان که اندکی پیشتر در هند متداول شد، موجب گردید که برخی پژوهشگران مانند کُخ، ستاوند صفوی را بازنمایی از ستاوند گورکانی بدانند. هدف از این پژوهش آن است که ستاوند در معماری صفویه چرا و چگونه رواج یافته و منشاء یا سیر تحول آن چگونه بوده است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. حاصل پژوهش نشان می‌دهد که ساخت تالارهای ستوندار با کاربری بارعام، در دوره هخامنشی رواج یافته، ولی در دوره پس از هخامنشی ستاوندها با کاربری بارعام تحت تأثیر عناصر معماری بومی قرار می‌گیرند. ستاوند گونه غربی که در خانه بطلمیوس II دیده می‌شود، به شکل یک سایبان در فضای خالی پری استایل ساخته شده است. ستاوند گونه شرقی که در هند مشاهده می‌شود و به نام شاهجهانی شهرت یافته، تحت تأثیر سه عنصر بومی شامل: منڊپه، الگوی خانه چوبی روستایی و چادر یا کمپ مغول‌ها قرار گرفته است. در این میان، ستاوند ایرانی دوره صفوی همزمان با اندکی پس از ستاوندهای شاهجهانی ساخته شده و تحت تأثیر معماری بومی شمال ایران و تخت‌جمشید قرار گرفته است. در بنای عالی‌قاپو، بر خلاف بناهای دیگر صفوی، عناصر معماری هند بیشتر مشاهده می‌شود که می‌توان به تأثیر منڊپه اشاره کرد.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۷/۲۴

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۱۰/۰۶

واژه‌های کلیدی:

ستاوند، جُهرِوکه،
دیوان‌عام، شاهجهان،
شاه عباس دوم

استناد به این مقاله: حیدری، احمد (۱۴۰۴). سیر تحول دیوان‌عام گورکانی و تأثیر آن بر ستاوند صفویه. فصلنامه پژوهش‌های

ایران‌شناسی، ۱۵(۱): ۱۲۵-۱۵۴.



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱- مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

یکی از عناصری که در شکل‌گیری فضاهای اندرونی و بیرونی یک سازه مسکونی موثر بوده، ایوان است. در ادبیات معماری به بخش مهمانخانه یک واحد مسکونی، ایوان‌عام، دیوان‌عام، بیرونی و چهلستون گفته شده است. طرح ستاوند (تالاری با سقفی متکی بر ستون‌ها) به اشکال مختلف در تمدن‌های ایران (دوران ماد و هخامنشی)، معماری هلنیستی و سپس در هند مشاهده گردیده است. در زمان شاهجهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸ ه.ق) و حاکمان پس از او، یک فضای مختص حضور پادشاه به شکل بالکن، و برجسته از دیوار ساخته شده که در آنجا پادشاه جلوس می‌کرد، به کاخ‌های گورکانی اضافه می‌شود که در ابتدا به آن جِهْرُوکه و سپس دیوان‌عام و گاهی چهلستون گفته شده است. این طرح پس از چندی در زمان شاه عباس دوم در بناهای عالی‌قاپو و چهلستون اصفهان نیز به کار می‌رود. هدف از این پژوهش آن است که سیر تحول ستاوند در معماری گورکانی و صفویه چگونه بوده و چه نقشی در توسعه تالارهای ستوندار پس از صفویه داشته است. پرسش‌های این پژوهش عبارتند از: ۱- منشاء شکل‌گیری ستاوندهای گورکانی از کجا و چگونه بوده است؟ ۲- نقش ایوان یا دیوان‌عام شاهجهانی در ایجاد ستاوندهای دوره شاه عباس دوم صفوی چه بوده است؟ ۳- نقش و تأثیر ستاوندهای صفویه در تالارهای ستوندار و شبستان‌های دوران زندیه و قاجار چگونه بوده است؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه ایوان و ستاوند اغلب به وسیله محققان غیرایرانی انجام شده است. پژوهشگران ایرانی بیشتر به گردآوری و ترجمه منابع خارجی و گاه به مستندنگاری آثار و ابنیه تاریخی پرداخته‌اند. خیری، ستاوندهای آذربایجان به خصوص مناطق اسکو، بناب و مراغه را در دو جلد توصیف و مستندنگاری کرده است (خیری، ۱۳۸۵ الف و ۱۳۸۵ ب). در مقاله دیگر، نویسندگان به سیر تحول تالارستوندار در ایران و به خصوص آذربایجان پرداخته و مقایسات تطبیقی با بناهای ستوندار مناطق آناتولی انجام داده‌اند (باللی اسکویی و آشتیانی، ۱۳۹۹). سلطان-زاده به نحوه طراحی و نمادسازی در بنای تاج‌محل پرداخته است (۱۳۷۸ و ۱۳۹۰). وی یکی از نخستین پژوهشگران ایرانی است که به توصیف و توضیح دیوان‌عام و دیوان‌خاص در آثار ایران پیش از اسلام پرداخته است (سلطان‌زاده، ۱۴۰۰). تا کنون چندین پایان‌نامه درباره ستاوندهای صفویه نوشته شده است؛ ولی مطالعات صورت گرفته بیشتر در جهت یافتن خاستگاه ستاوند

صفویه بوده است. برای مثال در یک پایان‌نامه، پژوهشگر مساجد ناحیه بناب و پیرامون آن‌را قدیمی‌تر از ستوندهای کاخ‌های صفویه دانسته و فرض بر آن داشته که کاخ‌های صفویه، از نظر فرم اقتباسی آگاهانه از ستوندهای ناحیه جنوب‌شرقی دریاچه ارومیه داشته‌اند (بلوری‌بناب، ۱۳۹۵). در رساله‌ای دیگر مولف به مطالعه تطبیقی معماری مساجد و تکایا در مازندران و جنوب داغستان پرداخته و به تأثیر معماری چوب مازندران در داغستان در سده ۱۷ تا ۱۹ م. می‌پردازد (موسوی‌کوهپر و دیگران، ۱۳۹۳).

در زمینه ستوندهای گورکانی نخستین مطالعات که بیشتر جنبه توصیف ادبی (توصیف بنا با اشعار) داشته توسط نوربخش (Nur Bakhsh, 1904)، محمد اشرف حسین (Husain, 1937: 34-40) و سندرسن و شعیب انجام شده است (Sanderson and Shuaib, 2000: 29-48). ولی یکی از نخستین مطالعات علمی بر ستوند گورکانی به‌وسیله کُخ انجام گردیده است. پژوهش کُخ بیشتر حول محور مقایسه تطبیقی عناصر معماری (ستوند) و سیر تحول آن‌ها در نقاشی‌های برجای مانده از هنرمندان گورکانی است (Koch, 1994, 2001, 2003, 2013, 2019). مطالعه کالتز، ارتباط میان فضاهای معماری با عناوین و مناصبی است که مورخان در اجرای رسوم درباری گورکانی (دوره شاهجهان) ثبت کرده‌اند؛ همانند خواص (نجبا)، دیوان‌خاص و مناصبداران (Kollatz, 2019). رایندل کیل نیز به توصیف فضاهای معماری ویژه ملاقات‌های رسمی و درباری عثمانی (سده ۱۷ م.) پرداخته است (Reindle-Kiel, 2019).

۱-۳. روش‌شناسی پژوهش

این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده و داده‌های آن به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده است. برای انجام پژوهش ابتدا منابع نظری مرتبط با ایوان و دیوان‌عام مورد مطالعه قرار گرفته است. سپس طرح بناهایی با نام‌های مشابه و کارکرد قابل تطبیق از ایران (دوره صفویه) و کشورهای همجوار آن، یعنی ممالک عثمانی و گورکانیان هند گردآوری گردید. برای شناخت سیر تحول ستوند و ایوان عام، از پلان و حتی تصاویر نگارگری و اطلاعات منابع تاریخی مصور استفاده شده است. در نهایت اطلاعات به‌دست آمده با مقایسه تطبیقی، طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل داده‌ها توأم گردید و سیر تحول و شکل‌گیری دیوان عام گورکانی و تأثیر آن بر ستوند صفویه مورد مطالعه قرار گرفت.

۲. معنا و پیشینه ایوان و دیوان عام

ایوان به دو شکل ستوندار و یا بدون ستون وجود دارد. «ایوان، فضایی فاقد ستون است که از سه طرف بسته و از یک طرف به فضایی روباز همانند حیاط (میانسرا) باز می‌شود» (Wright, 1991: 79) و دارای تاقی مازهدار یا تیزهدار است. در متون علمی، این فضا به شکل واژگانی چون کاخ، ایوان، ورنده^۱ (ستاوند)، بالکن، پورتیکو^۲ و پورچ^۳ مشاهده می‌شود؛ که به فضاهایی شبیه ایوان گفته می‌شود. در متون عربی و ترکی به آن لیوان یا ایوان گفته شده است. «واژه ایوان، از آپادانا در زبان پارسی باستان گرفته شده است» (Henning, 1944: 109). این واژه در ایلامی به شکل ه-د-ن^۴ و در بابلی به صورت آپ-پ-د-آن^۵ مشاهده می‌گردد. بعدها به واژه ورنده تبدیل می‌شود که مفهوم مکانی که از سه طرف پوشیده و از یک طرف باز است را القاء می‌کند (Wüst, 1966: 10).

اما در ادبیات فارسی ایوان معنای گسترده‌تری دارد؛ گاه مفهوم مکان بارعام، گاه محل داوری و عدالت می‌یابد. در هر صورت، ایوان حوزه بیرونی یا محل پذیرایی و ملاقات‌های رسمی محسوب می‌شده، که دارای نام‌های دیگری چون: دیوانخانه، دیوان عام، بیرونی، دولت‌خانه خاص و عام و چهلستون گفته شده است. از نظر فرم ایوان گاهی ستوندار بوده، و با طرح ستاوند (تالار ستوندار بیرون جهیده) ساخته شده است. در قلمرو گورکانیان هند و عثمانی، ایوان و یا دیوان عام یک سازه جدا، یا از سه طرف باز بیشتر از نوع هایپوستایل (ستاوند) یا تالار ستوندار بوده است. در هند دوره گورکانی دیوان عام را جهروکه درُشأن، دیوان‌خانه و یا چهلستون گویند؛ در قلمرو عثمانی مکان مذکور را عرض اوده‌سی (اتاق عرض) می‌نامیدند؛ که دارای وجوه اشتراک و افتراقی با یکدیگر می‌باشند.

جورجینا هرمان معتقد است، در مرحله نخست ایوان، به شکل یک تالار باز دارای سه دیوار با سقفی متشکل از تیرهای چوبی متکی بر ستون ساخته می‌شود و مرحله دوم زمانی آغاز شد که زدن سقف این تالارها با استفاده از طاق‌های ضربی آغاز گردید. نمونه‌های مرحله اول را می‌توان در معماری اوایل دوره اشکانی در آسیای میانه مشاهده نمود (هرمان، ۱۳۷۳: ۳۶-۳۸). عملکرد ایوان مکان پذیرایی، بارعام بوده است. در دوره گورکانیان هند، ایوان یا دیوان‌خانه، مکانی برای اجرای مراسم بزرگ در دربار مغول، به خصوص جشن نوروز، جلوس (سالگرد به تخت نشستن امپراتور) و مراسم دولتی مانند جشن وزن شمسی و قمری است (کنبو، ۱۹۱۴: ۳۳-۹۲).

۳. مفهوم چهلستون

چهل عددی نمادین به معنای تعداد زیاد و یا مفهوم بسط یافته عدد چهار است. عدد چهار در

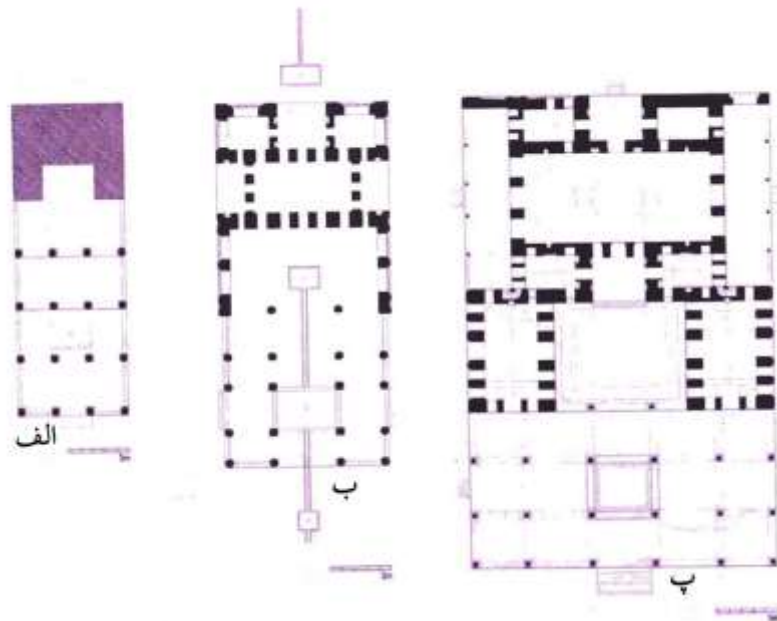
ایران باستان اهمیت بسیاری داشته است. تربیع در معماری آتشکده‌ها یا چهارتاقی‌های پیش از اسلام در ارتباط با تقدیس عناصر چهارگانه بوده است (حیدری، ۱۴۰۱: ۵۵). پس از اسلام با ظهور تشیع اهمیت عدد چهل زیاد می‌گردد. چهل مترادف تعداد زیاد و قدسیت اثر بوده است، نام‌هایی چون چهل منار، چهل گنبد، چهلستون از جمله نام‌هایی است که به بنا داده شده است.

در ایران، تالارهایی با تعداد زیادی ستون (که لزوماً چهل عدد نیستند) ساخته می‌شد که به آن‌ها چهلستون می‌گفتند (هنرفر، ۱۳۵۱ الف: ۳). برخی پژوهشگران همانند کخ بر این باورند که تالارهای گورکانیان که با اصطلاح فارسی چهلستون مشهور شده‌اند به علت شباهت از نظر شکل و کارکرد، با رواق‌های ستون‌دار یا تالارهای کلاه فرنگی پذیرایی صفوی‌ها، از صفویه اقتباس شده است. به خصوص به این دلیل که اولین نوع چهلستون شاهجهان، همانند تالارهای صفوی یک سازه چوبی ستون‌دار با سه طرف باز که در مقابل یک دیوار سنگی قرار داشته و جایگاهی برای شاه در مرکز آن تعبیه شده بود (نک: جدول ۱) (Koch, 2011: 322-323). چهلستون جوهره و تجسم معماری بزم است (بابایی، ۱۳۹۸: ۲۵۴).

وضعیت چهلستون‌های قدیمی‌تر صفوی نامعلوم است. ظاهراً نخستین نمونه از این گونه تالارها، عمارت آینه‌خانه بوده که در سال ۱۶۲۹ م (یک سال پس از نخستین تالار یا ستاوند شاهجهانی) در اصفهان ساخته شده که از میان رفته است (بیانی، ۱۳۹۸: ۲۶۸؛ Babaie, 2013: 158). بابایی بر این باور است که آینه‌خانه معرف مرحله گذار در سیر تحول ایده معماری کاخ تالار است که ابتدا در تالار طویل^۶ و سپس در کاخ چهلستون به کمال رسیده است (نک: تصویر ۱)؛ فضای وسیعی که این تالار ایجاد می‌کرد کارکرد خصوصی نداشته و ممکن بود مراسم رسمی شرفیابی یا بارعام در آن صورت می‌گرفت (بابایی، ۱۳۹۸: ۲۷۰). تالارهای شاهجهان، بارگاه چهلستون هم نامیده شده‌اند. شبیه‌ترین همتای چهلستون شاهجهان، از لحاظ فرم و کارکرد، پاوون پذیرایی کاخ چهلستون اصفهان در سال ۱۰۵۷ ه.ق ساخته شده است (هنرفر، ۱۳۵۱ الف: ۶؛ Koch, 1994: 148). جلال‌الدین دوانی نقل می‌کند، در زمان ملوک عجم، چهلستون را هزارستون می‌خواندند و این مکان محل عرض بوده یعنی مکانی که پادشاه بارعام می‌داده است (دوانی، ۱۳۸۷: ۱۱۷).

تمایل پادشاهان گورکانی به موضوعات اساطیری، موضوع پیغمبر و پادشاهی سلیمان، از زمان جهانگیر پادشاه گورکانی به بعد در بافت کاخ‌های آن‌ها برجسته شد؛ تصاویری با مضمون سلیمان بر روی تخت پرنده به همراه ملازمانش یعنی پرندگان و ارواح بالدار، فرشتگان یا پری‌ها به شکل انسان و اجنه به شکل حیوانات بود (ن.ک: تصویر ۱) (Koch, 1983: 173-95). در دوره شاهجهان، شاعر مشهور لاهوری تالار آگره را تحسین کرده و آن را «بلندی تا بهشت برکشیده»

توصیف می کند (لاهوری، ۱۸۶۷: ۲۲۱-۲۲۳).



تصویر ۱- الف-تاق طویله (پلان بازسازی شده) ب-آینه خانه (برداشت از طرح کست و فلاندن) پ-چهلستون (بابایی، ۱۳۹۸: ۲۵۴)

۴. بارعام یا دیوان عام در پس از اسلام

در متون پس از اسلام به واژه‌های بیت‌الخاص و بیت‌العام برخورد می‌شود. بیت‌الخاص زمانی شکل می‌گرفت که خلیفه سابق فوت کرده، آنگاه وزیر، شخصیت‌های برجسته‌ای از قبیل، اعضای خانواده خلیفه، نجبا (درباریان)، قاضی شارع (قاضی دینی) و سایر مقامات برای بیعت با خلیفه جدید گرد هم می‌آمدند. در حالی که بیت‌العام به مردم عادی گفته می‌شد که برای بیعت با خلیفه حضور می‌یافتند (Hanne, 2013: 152).

مورخان تأکید می‌کنند که ستاوند شاهجهان است. ولی نام معماران و یا مشاوران بناهای شاهجهان مشخص نیستند. در دوره جهانگیر، معمارانی به نام مردم صاحب وقوف^۷ (مردانی که صاحب دانش بالایی بودند) وجود داشتند که جهانگیر با این افراد در ساخت مجدد گور پدرش، اکبر، در سکندریه^۸، آگره با آن‌ها مشورت می‌کرده است (Koch, 2014a: 353-4).

۴-۱. جَهْرُوْکِه و دیوان عام شاهجهانی

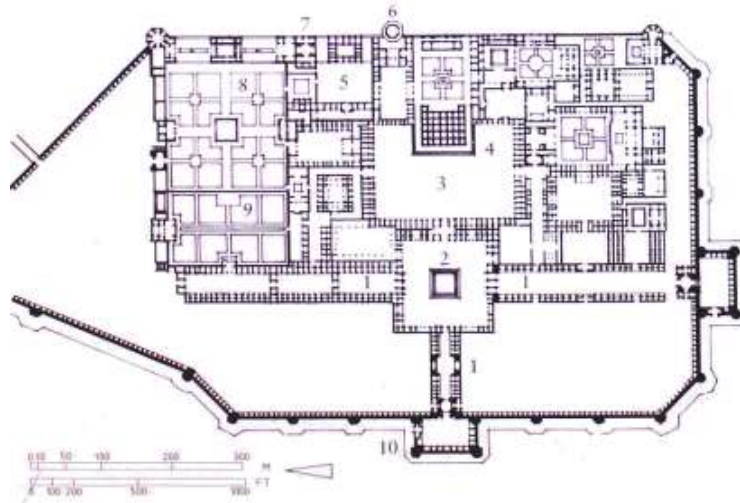
در دوره گورکانیان هند، تحولی در ساخت دیوان عام در سازه‌های سلطنتی رخ می‌دهد، در ستاوند، عنصری به نام جَهْرُوْکِه افزوده می‌شود که کُخ آن را ابداع شاهجهان می‌داند (Koch, 1994: 143). جَهْرُوْکِه یک نوع بالکن یا پنجره پیش آمده درون دیوار بیرونی قلعه و یا در دیوار صحن است. شاهجهان هر روز صبح، بار عام داشت که به آن جَهْرُوْکِه درُشْآن^۹ گفته می‌شد. او وارد جَهْرُوْکِه (بالکن) می‌گردید، و به جایی که عالی‌مقامان و مردم جمع می‌شدند، نگاه می‌کرد. به نظر می‌رسد جَهْرُوْکِه درُشْآن به عنوان یک ملاقات درباری در ادوار پیشین وجود نداشته و ممکن است ابداع شاهجهان باشد (Kollatz, 2019: 118-9). در زمان اکبر (۹۴۹ تا ۹۶۳ ه.ق) و جهانگیر (۱۰۱۶-۱۰۳۷ ه.ق)، اصطلاح دیوان و دربار به کار برده می‌شد؛ ولی در زمان شاهجهان اصطلاح جَهْرُوْکِه خاص و عام، برابر اصطلاح قدیمی تر دیوان خاص و عام رایج گردید. در مجموع جَهْرُوْکِه عام و خاص به نظر می‌رسد، شبیه فرم ملاقات‌های دیوان عام و خاص دوره جهانگیر باشد (Kollatz, 2019: 121-122).

پس از به سلطنت رسیدن شاهجهان پنجمین پادشاه سلسله مغول هند، در ۸ جمادی‌الثانی ۱۰۳۷ ه.ق (۱۴ فوریه ۱۶۲۸ م)؛ وی دستور ساخت تالارهای بارعام عمومی در تمام کاخ‌های امپراتوری مغول به خصوص در آگره (نک: تصاویر ۲ و ۳)، لاهور و مطابق برخی منابع در بُرهانپور (مرکز هند) ساخت (نک: جدول ۱)، (Koch, 1994: 143. 2019: 143 and 147). ابتدا این تالارها با چوب ساخته می‌شدند و حدود ۱۰ سال بعد از ژانویه ۱۶۳۷، تالارهای چوبین (ایوان‌چوبین) منسوخ شده و جای آن را تالارهایی با سنگ‌های آهک قرمز و مرمر جایگزین شدند. بین سالهای ۱۶۳۹ تا ۱۶۴۸ م. (۱۰۴۹ تا ۱۰۵۸ ه.ق) یک تالار ستوندار در کاخ جدید شاهجهان (دهلی) ساخته شد (کخ، ۱۳۹۵: ۲۲؛ Koch, 1994: 143).

ابوالفضل‌علامی، این گونه دیوان‌خاص را توصیف می‌کند: پاولیونی (عمارت کلاه فرهنگی) که به عنوان دیوان خاص یا سالن افراد خصوصی عمل می‌کند، دارای درها و قفل‌های مناسبی است. در اینجا اشراف و افسران ارتش پس از گرفتن مرخصی از طریق بخشی‌ها به حضور امپراتور شرفیاب می‌شوند. فهرست افسران واجد شرایط پذیرش در اول هر ماه تغییر می‌کند. این مکان هم در داخل و هم در خارج، با فرش‌هایی به رنگ‌های متنوع تزیین شده که نقششان شبیه یک گلدان زیبا می‌باشند. در خارج (پاولیون)، به فاصله ۳۲۰ متری آن، طناب‌هایی کشیده شده و به تیرهایی که در فاصله حدود ۳ متر از یکدیگر قرار گرفته‌اند بسته شده و در اطراف آن نگهبانانی مستقر هستند. به این سالن دیوان عام یا تالار مخاطبان عمومی گفته می‌شود (Nath, 1985: 166).



تصویر ۲-قلعه سرخ؛ آگره؛ ۱۵۶۴-۱۵۶۵ م: ۱- ورودی (دروازه دهلی) ۲- دروازه آمرسینگ ۳- محال جهانگیری ۴- دیوان عام ۵- رنگ محال ۶- دیوان خاص ۷- مسجد موتی (Tadgell, 2008: 546).



تصویر ۳- پلانی از سرخ قلعه (لعل قلعه) دهلی: ۱- بازار ۲- ساختمان مسجد ۳- صحن مخاطبان عام ۴- دیوان عام (سالن مخاطبان عام) ۵- دیوان خاص (سالن مخاطبان خاص) ۶- کوشک جَمنا ۷- حمام ۸ و ۹- محوطه باغ (Tadgell, 2008: 589).

کلیم کاشانی که به دربار شاهجهان رفت؛ این تالارها را به نام ایوان دولت‌خانه‌ی خاص و عام و یا تالار بارعام و ایوان چهلستون توصیف کرده است. چهلستون یا ایوان دولت‌خانه خاص و عام، که امروزه دیوان عام نامیده می‌شود، نماینده نوع جدیدی از نقشه ساختمان‌های قصر مانند گورکانی‌ها است. مطابق منابع پیش از شاهجهان، بیشتر افرادی که در شرفیابی شرکت می‌کردند،

بایستی مستقیم در برابر نور خورشید و باران در مقابل نشیمنگاه امپراتور یا جَهْرُوکه در برابر حیاط روباز (صحن خاص و عام) به صورت ایستاده، قرار می‌گرفتند. اشعار ابوطالب کلیم، تالار آگره را با یک باغ پر از سرو مقایسه کرده است: شعر او به این معنا است که این ساختمان جدید زیر سایه عرش الهی قرار دارد (Koch, 2019:147). مراسم شرفیابی سفرای خارجی در دیوان عام، به وسیله برخی سیاحان اروپایی با جزئیات دقیقی توصیف شده است (اولثاریوس، ۱۳۶۹: ۵۵۳-۵۵۰).

جدول ۱- تالارهای بارعام یا جهرکه درشأن، ساخت شاهجهان

نام اثر	تصویری از دیوان عام یا جهرکه	مرجع	سال ساخت	تصاویر تکمیلی
قلعه یا کاخ لاهور		Koch, 2013:35 5	پس از ۱۶۲۸ م. ساخته شد	 دیوان عام قلعه لاهور
قلعه آگره		Alfieri, 1999:2 42	۱۶۳۷ م. تکمیل شد	
دهلی، قلعه سرخ		Stierlin, 1979: 262	در سال ۱۶۳۸ شروع و در ۱۶۴۸ م. تکمیل شد	
قلعه اُمیر (امیر)		Tadgell, 2008: 623	سده ۱۷ م.	

ظاهر شدن در نشیمنگاه (جَهْرُوکه درشأن) فقط یک بار در صبح اتفاق می‌افتاد، اما ظاهر شدن در ایوان خاص و عام بعد از ظهر هم تکرار می‌گردید. در بارعام یا شرفیابی عمومی حضور همه دبیران گورکانی مقیم، چه امیر چه منصب‌دار اجباری بود. نجیب‌زادگان و ملازمانشان باید بر اساس مرتبه خود در مقابل ایوان خاص و عام بایستند که از همان جا امپراتور اداره امور ساکنان خانه و امپراتوری و سایر امورات دولتی را انجام می‌داد (Koch, 1994:144-145). در مقابل دیوار جَهْرُوکه (محل تختگاه) تالارهای جدید بنا می‌شدند. تالارها از سه طرف باز بودند و برای اطمینان از محدودیت دسترسی، سه حصار با نرده نقره‌ای و ورودی ایجاد می‌گردید. یک

فضای الحاقی با کمی فاصله، دور تالار با نرده قرمزی محصور شده وجود داشت که مختص افراد با منصب نازلتر بوده است (لاهوری، ۱۸۶۷: ۲۲۲). بقیه فضای صحن خاص و عام مورد استفاده خدمتکاران و افراد بدون رتبه یا سمت بوده است.

در دیوان عام علاوه بر انجام امور رسمی و اداری امپراتوری گورکانی، مراسم جشن‌های بزرگ مثل نوروز و جلوس (سالگرد بر تخت نشستن) هم برگزار می‌شد. محوطه‌ای هم برای مراسمی مانند بزرگداشت امپراتور در روز تولد، تعبیه می‌کردند (Ansari, 1974: 118-20). در زمان برگزاری جشن عروسی شاهزادگان، گاهی در دیوان عام خلوت اعلام می‌شد، زیرا در آن مواقع مردان باید دیوان عام را خالی می‌کردند تا زنان امپراتوری اجازه داشته باشند که از دیوان عام به عنوان تالار نمایش استفاده کنند و در یک ملاقات عمومی، جهیزیه و هدایای عروسی به امپراتور و درباریان نشان داده شود (لاهوری، ۱۸۶۷، ج اول: ۴۵۴-۴۵۶).

۲-۴. تالارهای بارعام هند گورکانی

پس از به سلطنت رسیدن شاهجهان پنجمین پادشاه سلسله مغول هند، در ۸ جمادی‌الثانی ۱۰۳۷ ه.ق (۱۴ فوریه ۱۶۲۸ م)؛ وی دستور ساخت تالارهایی برای بارعام عمومی در تمام کاخ‌های امپراتوری مغول به خصوص در آگره، لاهور و مطابق برخی منابع در برهانپور داد (Koch, 2019: 143). هر سه تالار بارعام دقیقاً دارای یک طرح، اما در اندازه یکسان نیستند. بزرگ‌ترین تالار در آگره است (Reuther, 1925: 40, 60, 74) و تالارهای لاهور و دهلی کوچک‌تر و از نظر ابعاد به هم نزدیک‌تر هستند. هر یک از دیوان‌های عام، ساختاری هاپیواستایل (ستاوند) را نشان می‌دهد که بر اساس یک طرح مُشبک بنا شده‌اند. بیست و هفت درگاه (تاق-چشمه) دارند که دارای قوس‌های چند برگی (مولتی‌لوید^{۱۰} یا مولتی‌فویل) و ستون‌های دوازده وجهی "شاهجهانی" بزرگ می‌باشند (Koch, 2014b: 93). ستون‌ها در اضلاع بیرونی جفت جفت بوده و در گوشه‌ها فرم چهارتایی به وجود آورده‌اند. اگر هر واحد ستونی را یک ستون منفرد به شمار آید، دقیقاً چهل ستون، یعنی یک ردیف ده تایی در طول تالار و ۴ ردیف در عرض تالار خواهیم داشت (Koch, 1994: 153).

مطالعات کراتهایمر^{۱۱} نشان می‌دهد که اعداد، در معماری قرون وسطی بسیار مهم بوده است و معماران اندازه و نسبت‌های عناصر یک سازه را به تعداد اعداد مقدس طراحی و می‌ساختند (Krautheimer, 1942: 1-33). در این‌جا گورکانیان، با اقتباس از نام [استعاری] چهلستون تخت‌جمشید، مبادرت به ساخت تالاری چهلستون نموده‌اند (Koch, 1994: 153). «گرچه ایده اصلی تالارهای شاهجهانی از تخت‌جمشید است، ولی طرح بنا، به‌خصوص در به کارگیری

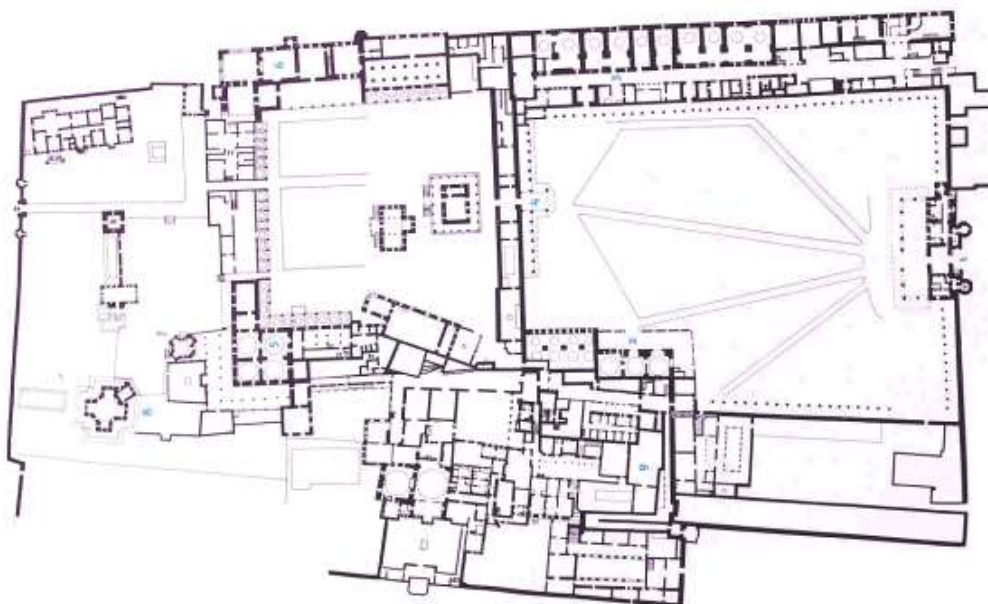
ستون‌های جفتی در جوانب، تالارهای بارعام شاهجهانی برگرفته از تالارهای هاپیواستایل آرامگاه‌های دوره جهانگیر است، مانند مرقد مرمرین سفید میرزا عزیزکوک^{۱۲} (۱۶۲۳-۱۶۲۴)، که نام دیگرش شوئصدکَمبَه^{۱۳} و در نظام‌الدین قرار دارد، شناخته می‌شود. اما شوئصدکَمبَه، مربع شکل است و مطابق جهات اصلی نیست» (Koch, 1994: 154). این نقشه شباهت زیادی با مسجد پَتَهَر^{۱۴} (سنگ) در سرینگر دارد، که گفته می‌شود توسط همسر جهانگیر به نام نورجهان ساخته شده است (کخ، ۱۳۷۳: ۸۳). انتساب مسجد به این حامی هنر معماری بر اساس شواهد سبک‌شناسی دهه ۱۶۲۰ م صورت گرفته است. اما وجه افتراق مسجد پَتَهَر (سنگ) سرینگر با تالارهای شاهجهانی در این است که تالار نماز مسجد پتهر (سنگ) به سبک بسیار وسیع‌تری از تالارهای دیوان‌عام بوده و به جای ستون، جرزهای صلیبی شکل دارد. اما وجه اشتراک آن‌ها این است که هر دو بنا دارای یک گنبد بزرگ در مرکز هستند که نشانگر جهتی است که تالار باید به آن سو شناخته شود (Koch, 1994: 155). مطابق توصیف قزوینی، امپراتور در حال بار دادن در دیوان‌عام قبله حاجات است، یعنی مکانی که مردم برای به دست آوردن خواسته‌هایشان به آنجا رو می‌آورند، توصیف می‌کند (Krautheimer, 1942: 1-33)، و از سویی جَهْرُوکَه مفهوم محراب یا قبله عالم را می‌یابد.

از آن جایی که در ابتدای حکومت شاهجهان، هیچ مسجد مستقلی در کاخ‌هایش نساخته بود (حتی مسجد مُتی قلعه آگره تا اواخر فرمانروایی او ساخته نشده بود)؛ به نظر می‌رسد که از صحن ملاقات یا بارعام، به عنوان صحن مسجد هم استفاده می‌شده است (Koch, 1994: 155). تاق-چشمه‌های باریک قوس‌دار صحن خاص و عام، به لحاظ شکل و عنوان با صحن مساجد آن دوره مطابقت دارد (نک: کنبو، ۳، ۱۹۱۴: ۲۵).

امپراتور گورکانی، در حالت نمادینی مانند شاهان هخامنشی جَهْرُوکَه او همانند تخت حضرت سلیمان، در تالار ستون‌دار بار می‌داد، جایی که او (مانند یک پیکره هندو) در جَهْرُوکَه (نشیمنگاه سلطنتی) ظاهر می‌شد، موقعیت مکانی آن در تالار، قابل مقایسه با محراب بود، تا نشان دهد که او قبله زبردستان و ظل‌الله یا سایه خدا بر زمین است. در آخرین تالار بارعامش در دهلی، شاهجهان ادعایش تقویت شد، که جَهْرُوکَه، به طور رسمی محراب محسوب شده و شکل و فرم آن شبیه تخت سلیمان بوده و با تاقچه‌ای که آن را با پرچین‌کاری^{۱۵} [نوعی منبت‌کاری در معماری شبه قاره هند] پرندگان و شیران به سبک فلورانسی و گورکانی و در رأس آن تصویر اورفئوس، به عنوان نماد عدالت شاهجهان، مورد تاکید قرار گرفته است، تزئین می‌کردند (Kollatz, 2019: 116).

۴-۳. ایوان عام در عثمانی

همان طور که در دوره گورکانیان هند، تالار بارعام را جَهْرَوَکِه درشأن می‌نامیدند؛ همزمان مکان ملاقات با امپراتوری یا سلطان در عثمانی را عَرَضِ اودَه‌سی^{۱۶} می‌نامیدند. «در منابع ترکی عثمانی، برای اصطلاح بارعام واژگانی چون عَرَض^{۱۷}، که بیانگر ارائه اطلاعات به سلطان است به کار می‌برند. در برخی منابع دیگر اصطلاح حضور همایونی (حضور شاهنشاه) ذکر شده است» (Reindle-Kiel, 2019:170).



تصویر ۱۴- کاخ توپ قاپی‌سرای؛ استانبول: ۱- باب السلام (دروازه صلح)؛ که به دومین حیاط با دیوان (تالارستوندار) باز می‌شود. ۲- به جبهه شمالی و آشپزخانه‌ها (مطبخ‌ها) ۴- باب السعادت: که به سومین حیاط با تخته‌گاه‌های در فضای باز (۱۵۸۵ م.) باز می‌شود. ۷ و ۸- ساختمان‌های روان و بغداد (۱۶۳۵-۱۶۳۸ م.) در حیاط چهارم قرار دارند. ۹- حرم (Taggell, 2008: 365).

در کتاب کانون‌نامه، دو نوع بارعام توصیف شده است، که یک نوع آن عَرَض نامیده می‌شود که ملاقات با سلطان است؛ که پس از جلسات مرتب و منظم شورای دولتی عثمانی (دیوان همایون) صورت می‌گیرد و دیگری استقبال از فرستادگان خارجی توسط پادشاه است. محل این ملاقات‌ها، یکی در عَرَضِ اودَه‌سی (اتاق عرض) در کاخ سلطنتی توپ قاپی‌سرای و دیگری در سرای سدید در کاخ آدرنه است. کاخ آدرنه در کرانه غربی رود تونکا قرار داشته که در جنگ میان عثمانی و روسیه در سال ۱۸۷۷ م. از میان رفت (Reindle-Kiel, 2019:176).

تالار بارعام (عرض اوده‌سی) توپقاپی سرای، دقیقاً پشت دروازه سعادت، در ورودی به حیاط سوم در فضای میانجی میان فضای عمومی (بیرونی، بخش خارجی کاخ) و فضاهای اندرونی (شامل محوطه‌های حرم و خزینه) سلطان واقع شده است (Neci'pog'lu, 1991: 96-110). در کاخ ادرنه، تالار دیوان در سمت چپ حیاط نخست قرار داشت و عرض اوده‌سی پشت دروازه سعادت که به حیاط جانبی منتهی می‌شد، واقع شده که شبیه توپقاپی سرای استانبول است. اتاق بارعام آن، تا اندازه‌ای کوچکتر از توپقاپی سرای بود، اما تمام ویژگی‌های آن را داشت (نک: تصویر ۴) (Kreiser, 1982: 138). به نظر می‌رسد که تمام وزرا و ملازمانشان در ادرنه (در آخرین ثلث سده ۱۷ م) زمانی که قلب امپراتوری در آنجا می‌تپید و مراسم تشریفاتی در آنجا برگزار می‌شد، اقامت داشته‌اند (Reindle-Kiel, 2019: 178).

۴-۴. شورای دولتی (دیوان همایون) در دربار عثمانی و تشکیل چادرهای سلطنتی برای بارعام

در سده هفدهم م در دربار سلطنتی [عثمانی]، تحولاتی رخ می‌دهد که برخی ملاقات‌های رسمی (عرض) در باغ‌ها و یا چادرهای سلطنتی صورت می‌گیرد. در سده ۱۶ م سلطان پس از جلسه شورای دولتی (حکومتی) یک بارعام می‌داد، و در هر هفته چهار بار این اتفاق رخ می‌داد (Mumcu, 1994: 430-432). در اوایل سده ۱۷ م جلسات شورای دولتی به دو روز در هفته و در روزهای یکشنبه و سه‌شنبه محدود می‌شد و در پایان سده ۱۷ م به یک روز فقط سه‌شنبه تقلیل یافت (Kütükog'lu, 1991: 438-439). بحث در شورای دولتی می‌بایستی میان خود اعضاء شورا و با حضور سلطان رخ دهد، منتهی سلطان در پشت پنجره مشبکی در تالار قرار می‌گرفت و از دید اعضاء شورا پنهان بود. البته این جلسات و بارعام دادن در زمان احمدپاشا ۱۶۱۶ م و برخی جاشینانش (عثمان دوم) نامنظم و گاه به دلایل نامعلومی لغو می‌شد. در سال ۱۶۱۹ م در برخی مواقع، دیوان‌عام و عرض، در باغ سلطنتی برگزار می‌شد. یک گزارش نشان می‌دهد که در ۱۰ دسامبر ۱۶۱۹ م، یک دیوان سریع و فوری در تالار شورای دولتی (یا کاخ سلطنتی) برگزار شده است و سپس وزیر بزرگ، در جایی که داوودپاشا به او بارعام (عرض) داده بود تا در جریان امور قرار گیرد، قراردادی (پیمانی) با داوودپاشا بسته است. از آن جا که به استثنا باغ-کاخ داوود پاشا، اتاق مناسبی برای ملاقات یا بارعام وجود نداشته است، به احتمال زیاد محل برگزاری چنین ملاقات‌هایی در چادرهای مجلل بزرگ انجام می‌شده است (Reindle-Kiel, 2019: 178). در دوره‌های بعد، در زمان محمدچهارم، آشکارا ترجیح می‌داد که بارعام را در یک چادر در ادرنه

برگزار کند (Abdi Paşa, 2008:198,255,289). گرچه کاخ سلطنتی قطعاً دارای زیرساخت‌های مناسبتری بوده است.

از گذشته‌های دور، گاه پادشاه بارعام را در فضای باز انجام می‌داده، در این حالت در نقوش دیده می‌شود که پادشاه بر تخت نشسته و بالای سر او چتر یا سایه‌بانی وجود دارد. در برخی آثار دوره هخامنشی این گونه نقوش دیده می‌شود، که بیانگر بارعام در فضای باز است. در پیش از اسلام «ملاقات‌ها و یا بارعام، به نام چتر به کار رفته و در نقوش دیده می‌شود» (Kollatz, 2019:116). ساختار سایبان و ساباط که شبیه چادر می‌باشد، در معماری دوره هلنیستی نیز مشاهده است. در خانه بطلمیوس II (بین ۲۷۴-۲۷۰ پ.م) که به احترام دیونیزوس ساخته شده بود. ساختاری شبیه چادر به شکل یک هال اصلی (اویکوس) با تعداد ۵×۴ ستون [در وسط یک پری استایل (پری استایل ساختاری است که سه طرف به فضای باز به فرم U است) است] ایجاد شده است (نک: جدول ۲) که در آن غذا برای ضیافت تهیه می‌شد، اتاق برای پذیرایی از حدود ۱۰۰ میهمان بود (Nielsen, 1994:134).



جدول ۲- طرح بازسازی و نقشه خانه بطلمیوس II. بین ۲۷۴-۲۷۰ پ.م. یک هایپواستایل (ستاوند) در وسط یک پری استایل (Studniczka, 1914, Taf. 1 and 3).

پس از اسلام، استفاده از کلاه فرنگی به عنوان مکانی برای بارعام و سپس تحت تأثیر گورکانیان و عثمانی و یا اقوام دیگر چادر نشین، استفاده از چادر به عنوان مکان بارعام در باغ‌ها و یا صحن خانه اعیان و حکام رواج می‌یابد. این نحوه پذیرایی در سفرنامه سیاحان اروپایی ذکر شده که چگونه حاکم شهر، از آنها در چادرهای سلطنتی که در بیرون شهر، داخل شهر (میدان اصلی شهر) و حتی درون خانه‌های بزرگ اعیان پذیرایی می‌کرده است (نک: اولثاریوس، ۱۳۶۹: ۴۶۵ و ۵۲۰). در ایران دوره قاجار در بسیاری از صحن خانه‌های اعیان و حکام شهرها، چادرهای بزرگ برپا می‌کردند که مکان ملاقات‌های رسمی شاه قاجار با حاکم شهر محسوب می‌شده

است (نمونه این چادرها هنوز در حیاط خانه افتخارالاسلام از سران قاجاری بروجد وجود دارد).

۵. سیر تحول تالارهای ستوندار در هند و خاستگاه ستاوند شاهجهانی

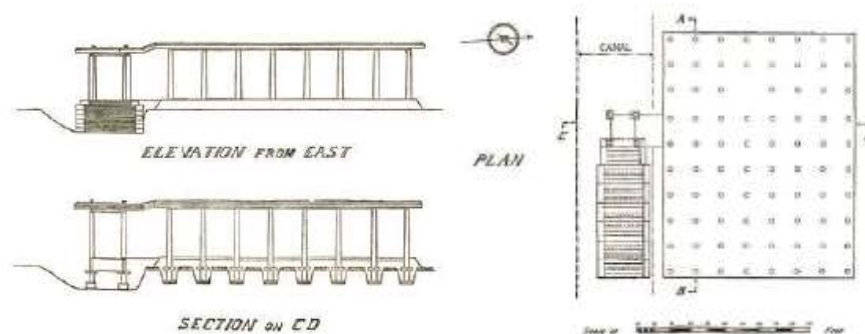
از نخستین آثار تالارهای ستوندار در هند از تالار ستوندار پاتالی پوترا در پتنّا متعلق به ۳۰۰ پ.م، می‌توان نام برد (نک: تصویر ۵) (هالايد، ۱۳۷۶: ۶ & Henkelman, 2017: 183). پس از ورود اسلام در هند تالارهای ستونداري نیز ساخته می‌شود. هزارستون، تالار چوبي وسيع بارعامی بوده که برای سلطان محمد تغلق در سال ۱۳۴۳ م در کاخش در جهانپور دهلی ساخته شده است (Welch and Crane, 1983: 148-149). ابن بطوطه این کاخ را توصیف کرده و در مورد آن می‌گوید: درب سوم، به یک تالار وسیع و بزرگ به نام هزار ستون باز می‌شود. ستون‌ها از چوب منقوش بوده و سقف چوبي را نگه می‌داشتند. سقف چوبي بسیار عالی تراشیده شده و مردم زیر آن می‌نشینند، و این تالاری است که سلطان در آن می‌نشیند و بارعام می‌دهد و در این بارگاه دختران هندو اسیر شده به رقص و آواز می‌پردازند (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۴۶۴-۴۶۵). مطابق گزارش بدرالدین چاچ شاعر دربار، این بنا در محرم ۷۴۴ ه.ق برابر با ژوئن ۱۳۴۳ م ساخته شده و نام آن خرم-آباد (اقامتگاه شادی) بوده است (Koch, 2013: 378).

از ابداعات دوره شاهجهان، ساخت ستاوندهایی در سه کاخ آگره، لاهور و به احتمال برهانپور از سال ۱۰۳۷ ه.ق (۱۶۲۸ م) به بعد بود. همزمان و یا یکسال پس از شاهجهان، عمارت آینه‌خانه اصفهان ساخته می‌شود. سپس «در زمان شاه عباس دوم ستاوندهایی به دو بنای عالی‌قاپو و چهلستون اصفهان افزوده می‌گردد» (هنرفر، ۱۳۵۰). ستاوند شاهجهانی، بخش بیرونی کاخ محسوب می‌شده که در آن ملاقات‌های رسمی و برخی از اعیاد و مراسم برگزار می‌گردیده است. شاعران و مورخان این تالارها را به نام تالار بارعام، دولت‌خانه خاص و عام، ایوان چهلستون معرفی و وصف نموده‌اند.

گرچه ستاوند کاخ‌های گورکانیان، ابداع شاهجهان محسوب می‌شود. ولی یک روند تحولی در آن دیده می‌شود که نمونه سلف آن در مسجد پتھر (سنگ) سرینگر مشاهده می‌گردد، بنایی که توسط نورجهان همسر جهانگیر به صورت تالاری وسیع‌تر از تالارهای بارعام ساخته شد. ستاوند شاهجهانی، به دیوار کاخ یا قلعه امپراتور متصل بوده و یک بالکن به نام جھروکه داشته که مکان تخت و نشیمن امپراتور برای ملاقات رسمی بوده است.

در جدول ۳، تصاویری از تالارهای ستوندار در ایران، ازبکستان، پاکستان، افغانستان و عثمانی مشاهده می‌شود که برخی از این ستاوندها متعلق به تاریخ پیش از ساخت و رواج ستاوند

شاهجهانی می‌باشند، این بناها نشان می‌دهند که ساخت تالارهای ستوندار در بناهایی با ساختار چوبین ریشه کهنی دارد و می‌توان خاستگاه ستاوند شاهجهانی را در معماری بومی هند جستجو نمود (نک: جدول ۳).



تصویر ۵- پلان نما و برشی از تالار ستوندار پاتالی پوترا واقع در پَنّا (Henkelman, 2017:183).

جدول ۳- تصاویری از تالارهای ستوندار ساخته شده پس از ستاوندهای شاهجهان؛ واقع در ایران، ازبکستان، پاکستان و افغانستان

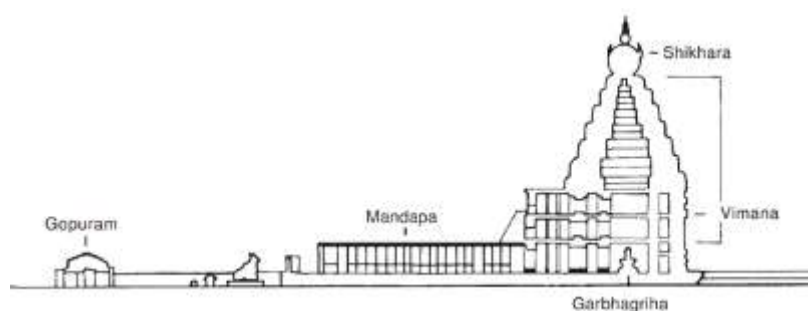
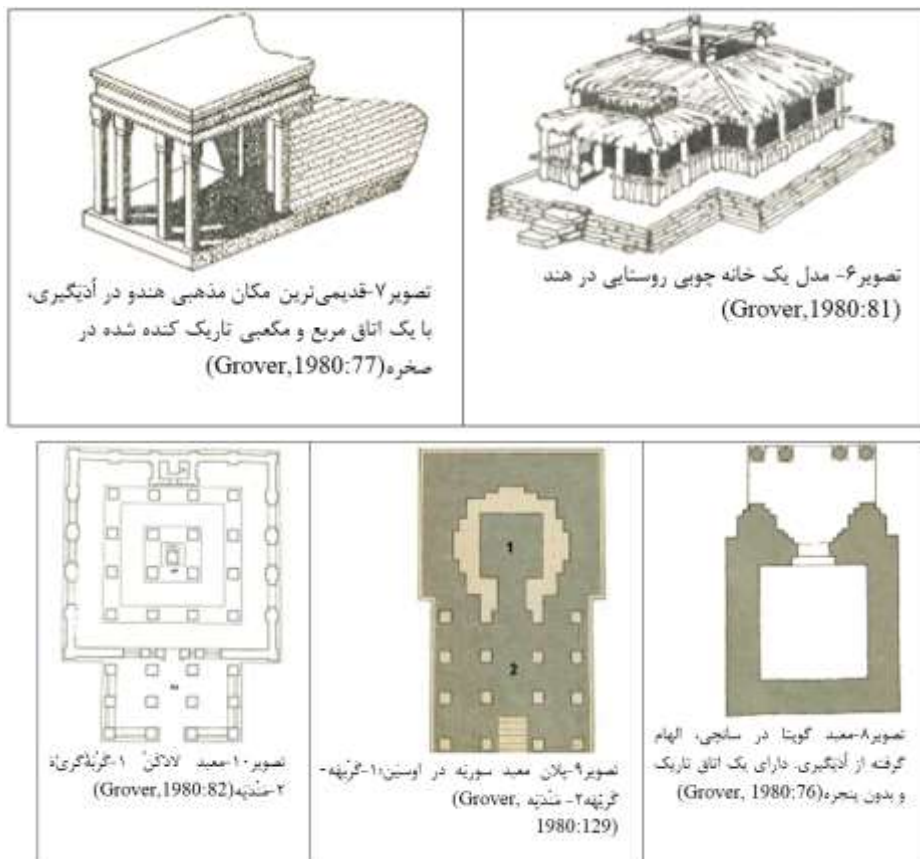
 تصویر ۲۶: تالار ستوندار چوبی، فضای درونی آرامگاه نصیر خسرو (۱۰۷۲-۱۰۷۸ میلادی)، افغانستان (Koch, 2013:376)	 مدینه عبدالله خان، ۱۵۸۹-۱۵۹۰ م. بخارا (Gangler et al, 2004:101)	 تالار بارعام چوبی، مسجد جلال الدین سرخ بخاری، اوایل سده ۱۴ م. اوج، پاکستان (Koch, 2013:373)	 چهلستون اصفهان ۱۶۹۶-۱۶۹۷، بازسازی ۱۷۰۶ (بازایی، ۱۳۹۸)
	 مسجد جامع اشرف اوغلو (۱۲۹۶-۱۲۹۹ م.)، شیروان، ترکمنستان، ۱۳۸۸ (۲۸)	 مسجد ملازسته، اواسط سده ۱۶ هجری، ایران (خیری، ۱۳۸۵)، ۴۷۱	 مسجد جامع خیوند، ازبکستان (Herdeg, 1991:377)

برخی پژوهشگران همانند گُخ ساختار اصلی ستاوند گورکانی را اقتباسی از تخت جمشید می‌دانند (Koch, 1994:154). ولی در مطالعه و بررسی سیر تحول عناصر معماری هند، سه عنصر

معماری وجود دارد که متعلق به معماری بومی و تاریخی هند است و تا کنون مورد توجه قرار نگرفته است. این عناصر شامل الگوی معماری روستایی و چوبی سَنَتَگَر، مَنَدَپَه (در معابد هند) و چادر یا کمپ‌های مغول است که هر سه عنصر می‌تواند در تکوین ستاوند شاهجهانی نقش و تأثیر داشته باشند.

عنصر نخست؛ یک الگوی کهن و متداول خانه‌سازی با چوب، به نام سَنَتَگَر^{۱۸} است که بومی منطقه هند بوده و بعدها بسیاری از معابد مانند معبد لادَکَن بر اساس همین الگو ولی با مصالح سنگ ساخته شده‌اند (نک: تصویر ۶) (Grover, 1980: 81-82). عنصر دوم مَنَدَپَه است که در نسخه‌های نخستین به شکل یک ایوان در جلوی سِلا ظهور می‌کند. «قدیمی‌ترین معابد هندو یا برهمنی، متشکل از یک اتاق ساده بوده که یک نمونه قدیمی آن در اُدیگیری^{۱۹} (نزدیک سانچی) که در صخره تراشیده شده، دیده می‌شود که فضای داخلی آن، یک اتاق مستطیل (متماثل به مربع) است که به آن گَرِبَه‌گَرِبَه (به معنای اتاق زهدان) گویند (نک: تصاویر ۷ تا ۱۱). جلوی این اتاق یک ایوان ستوندار ساده تعبیه شده است. تا پیش از این مکان‌های مذهبی بیشتر در فضای باز بوده‌اند» (Grover, 1980: 76). گَرِبَه‌گَرِبَه عمدتاً مربع شکل بوده و جلوی آن، اغلب ایوان ستوندار یا مَنَدَپَه ساخته می‌شده که مکان اجتماع پیروان مذهب هندو بوده است. مکانی است که پیروان در آن، نماز (دعا)، مناجات، مدیتیشن (تفکر) و یا به تماشای روحانیونی که در حال انجام مراسم مذهبی می‌پردازند. گاهی به‌عنوان ناتامانَدیرَه^{۲۰} به معنی تالار رقص معبد شناخته می‌شود که در ایام قدیم، در آن آیین موسیقی و رقص دایر می‌شده است (نک: تصویر ۹). در برخی معابد قدیمی‌تر، مَنَدَپَه، مکانی جدا و منفک از معبد یا مکان مذهبی بوده است. بیشتر مَنَدَپَه‌ها برای فعالیت‌های مختلف همانند: رقص، گردهمایی، غذاخوردن، ازدواج و غیره در نظر گرفته می‌شده است (Fletcher, 1952: 83). از سده ۸ م به بعد مَنَدَپَه (تالار ستوندار) به جلوی گَرِبَه‌گَرِبَه اضافه می‌شود. ستاوندهای گورکانی بازنمایی از مَنَدَپَه‌ی معابد هندو هستند و همانند مَنَدَپَه (که مکانی برای مراسم‌های مختلف بوده)، در تالارهای بارعام نیز مراسم گوناگونی از جشن سال نو، تا میلاد پیامبر و ملاقات‌های رسمی صورت می‌گرفته است. هر طبقه کاخ عالی‌قاپو تزیینات مخصوص به خود دارد. طبقه ششم اتاق سرور و عشرت در حضور شاه ترتیب می‌یافته است (کیانی، ۱۳۸۹: ۱۲۰-۱۲۱). در طبقه ششم عالی‌قاپو اتاق موسیقی بوده که قابل مقایسه با کاخ آمبر در شِس‌مَحال هند است (نک: تصاویر ۱۲ و ۱۳) (Tadgell, 2008: 624). عنصر سوم؛ کمپ یا چادرهای سلاطین مغول است. در کتاب ابوالفضل‌علامی کمپ مغول‌ها با دقت توصیف شده است. او انواع چادر یا کمپ‌ها که مورد استفاده سلاطین گورکانی بوده را با کارکردشان، توصیف و شرح می‌دهد. علامی از گُل‌لال‌بار^{۲۱} (نرده قرمز)، نَمَگیره، چَندوا^{۲۲} (سایبان کوچک)، چولَدَری^{۲۳} (چادر

کوچک) نام می-برد (نک: تصاویر ۱۴ تا ۱۶) (علامی، بی تا: ۳۸-۴۰).



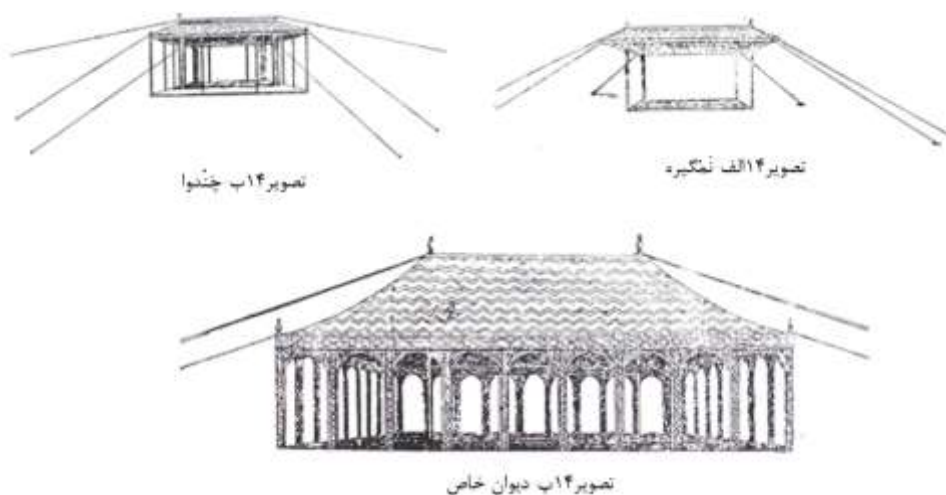
تصویر ۱۱- نمونه ای از معابد دراویدیان هند (Grover, 1980:197)



تصویر ۱۳- قلعه آملر: شش محال
(Tadgell, 2008: 624)

تصویر ۱۲- حقیقه ششم عالی‌قاپو، اصفهان

حضور حاکم در اردوگاه‌ها طبق برنامه و سلسله مراتبی تدارکاتی انجام می‌شد. برای مثال: «افرادی به نام فراش پیشاپیش برای تدارک اردوگاه‌ها فرستاده می‌شدند. فراش‌ها در زمینی که می‌رمنزل‌ها به عنوان یک مکان واجد شرایط انتخاب می‌نمودند، منتظر نزدیک شدن اعلیحضرت می‌شدند. سایر مبلمان چادرها (کمپ‌ها) پیشاپیش فرستاده می‌شد. هر اردوگاه برای حمل اثاثیه و ملزومات به ۱۰۰ فیل، ۵۰۰ شتر، ۴۰۰ گاری و ۱۰۰ حامل نیاز دارند و بوسیله ۵۰۰ سرباز، منصبدار اسکورت می‌شوند» (Nath, 1985: 168).



تصویر ۱۴ ب چنډوا

تصویر ۱۴ الف نمگیره

تصویر ۱۴ ب دیوان خاص

تصویر ۱۴- الف) نمگیره ب) چنډوا (پ) دیوان خاص (علامی، بی‌تا: ۳۸-۴۰)

گرچه ستون‌های چهلستون و عالی‌قاپو در زمان شاه عباس دوم در سال ۱۶۴۷ م ساخته می‌شوند. ولی یک بنا همزمان و یا در حدود یکسال پس از ساخت تالار شاهجهان، در اصفهان به

نام آینه‌خانه و هفت‌دست که به آن عشرت‌سرای شاه صفی نیز گفته می‌شد، در دوره شاه صفی شروع و در زمان شاه عباس دوم تکمیل می‌شود (نک: تصویر ۱۵) (هنرفر، ۱۳۵۰: ۵۷۶). این بنا همانند چهلستون، محل سلام سلاطین صفوی بوده است.



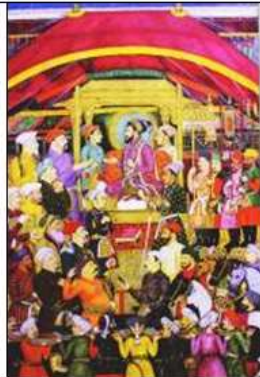
بابایی به نقد نظریه‌های مختلف در باب خاستگاه ستاوند صفوی پرداخته و منشاء آن را نه از گورکانیان هند و تیموریان آسیای مرکزی، بلکه خاستگاه آن را از مازندران می‌داند. او معتقد است که فضابندی تالار طویله و چهلستون به طور قطع متمایز از دیوان عام مغولان است. او بیشتر اهداف ایدئولوژیک و دینی را در ترکیب‌بندی و طراحی این آثار موثر می‌داند و بر این باور است که توسل صفویان به ایدئولوژی ایرانی-شیعی برای مشروعیت بخشی به سلطنتشان، با تلاش مغولان هند برای اثبات مشروعیت خود از طریق در هم آمیختن هندوئیسم، اسلام سنی و پادشاهی ایرانی و نظام خلافت کاملاً متمایز است (بابایی، ۱۳۹۸: ۲۹۱). بابایی، یکی از عوامل انتقال ایده معماری مازندران به اصفهان را نفوذ فردی به نام میرزا محمدسارو تقی (صدراعظم) می‌داند که ابتدا در سال ۱۰۲۱ ه. ق والی مازندران و سپس گیلان بوده و سپس در سال ۱۰۴۴ ه. ق (در دوره شاه صفی اول) به صدراعظمی می‌رسد. قدرت فراگیر ساروتقی و تجربه او در اجرا و ساخت شهرهایی اشرف و فرح‌آباد و مرمت حرم امام اول شیعیان در نجف، بیانگر نقش او در انتقال فنون ساختمان‌سازی و ظرفیت‌های بالقوه، تالار برای برگزار مراسم تشریفاتی و آیینی در طراحی فضاهای تشریفاتی در کاخ‌های تالاردار اصفهان است (Babaei, 2013: 157-8).

عالی‌قاپو که از همان ابتدا، به عنوان یک دروازه‌کاخ چند منظوره منحصر بفرد محسوب می‌شود؛ در شعبان ۱۰۵۶ ه. ق (سپتامبر ۱۶۴۵ م)، در یک مراسم با شکوه که برای استقبال از ندر محمدخان (حاکم ماورالنهر) تدارک شده بود، ستاوندی به آن افزوده شد. این ستاوند از طرح تالار طویله و آینه‌خانه اقتباس شده است (بابایی، ۱۳۹۸: ۲۹۸). به نظر کُنج، ایده سازه‌های چوبی یادمانی

تالارهای بارعام در دهه ۱۶۳۰ م، می‌بایستی از هند گرفته شده باشد (Koch, 2013: 378). کنج معتقد است مراودات فرهنگی میان ایران و هند، موجب شده تا سبک ساخت ستاوند گورکانی به صفویه انتقال یابد (Koch, 2013: 380).

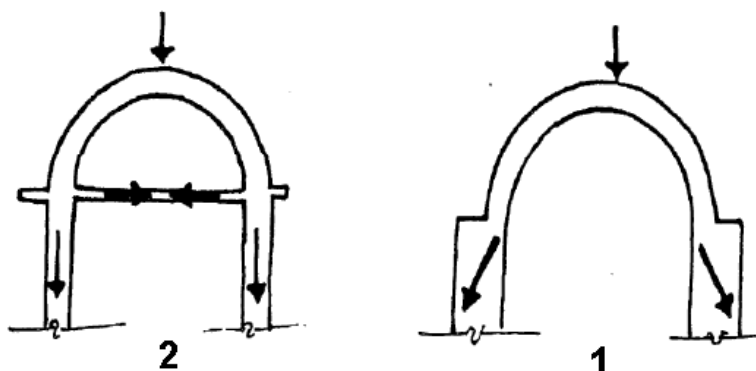
میان ایران و هند در ادوار مختلف (به خصوص در دوران تیموریان و صفویه) مراودات فرهنگی بسیاری وجود داشته است. این مراودات دوسویه بوده، به احتمال ستاوند صفوی متأثر از مَنَدِپَه هند ساخته شده است. هر دو بنای عالی‌قاپو و ستاوند شاهجهانی و جَهْرَوِکَه درِشَان همانند معابد مقدس ساخته شده‌اند. قدسی بودن مکان امپراتور در جَهْرَوِکَه، در نگاره‌ها و نقاشی‌ها، به صورت هاله‌ای نورانی بر سر امپراتوران گورکانی دیده می‌شود (نک: جدول ۴) که حاصل تقدس جایگاه جَهْرَوِکَه در تالار بارعام است. در عالی‌قاپو نیز ستاوند به مثابه یک مَنَدِپَه، در جلوی سِلا (حرم) قرار دارد. بنا به برخی گزارش‌ها، نام عالی‌قاپو به معنای درگاه عالی و مقدس مرتبط به درب مقبره حضرت علی(ع) در نجف است که به دستور شاه‌عباس یکم، به عالی‌قاپو انتقال داده شده تا قدسیت بنا را تحکم بخشد (دهمشگی و جانزاده، ۱۳۶۶: ۳۴۴).

جدول ۴- تالارهای بارعام کاخ‌های گورکانی در هنر نگارگری هند

نگاره			
			
نام اثر	برهاتپور، دیوان عام	آگرا، دیوان عام	آگره، دیوان عام
موضوع	پذیرایی از سفیر ایران محمد علی بیگ	جشن تولد پیامبر	عزیمت شاهزاده شاه شجاع به کابل
تاریخ	مارس ۱۶۳۱	۱۶ سپتامبر ۱۶۳۳	۱۶ مارس ۱۶۳۸
نقاش	کشمیری	منسوب به بلاغی	مورار ^{۳۵}
منبع	Cleveland and Koch, 1997: 53	Koch, 2013: 364	Cleveland and Koch, 1997: 83, 191
محل نگهداری	پادشاهنامه، کتابخانه سلطنتی	جدا شده از آلبوم سن پترزبورگ، تصویرسمت راست، موسسه اسمیتسونین.	پادشاهنامه، کتابخانه سلطنتی

۶. ابداعی دیگر در ساخت تالارهای ستوندار ایران پس از صفویه

محبوبیت ستاوند شاهجهانی که در زمان صفویه به خصوص در زمان شاه عباس دوم در بناهای عالی قاپو و چهلستون به کار گرفته شد، موجب گردید که در دوران پس از صفویه، به خصوص در دوره زندیه و قاجار، معماران تلاش کنند که از ستاوند و تالارهای ستوندار، در سازه‌های مختلف به خصوص مساجد استفاده کنند. در گذشته معمار برای ساخت شبستان پر ستون، با گنبدهای کوچک و متوالی، برای انتقال بار مرده سقف که بسیار زیاد بود، مجبور به ساخت ستون‌هایی عریض و ضخیم می‌شد. ولی در دوره زندیه و قاجار تحولاتی در تالارهای ستوندار صورت می‌گیرد. معمار تلاش می‌کند از ستون‌های باریک مانند ستون‌های ستاوند استفاده کند. ولی به علت استفاده از مصالح سنگین خشت و گل در گنبدهای کوچک، برای کنترل بار مرده تاق، از میل مهار با تیرهای چوبین و به شکل شطرنجی در پاکار تاق استفاده کند. این روش به شکل یک شبکه تار عنکبوتی موجب می‌شود تا فشار وارد شده در پاکار مهار گردد و مانع ریزش تاق گردد (نک: تصویر ۱۶).



تصویر ۱۶- شماره ۱: عریض کردن ستون برای انتقال بار مرده تاق به پاکار و جز ۲/ شماره ۲: باریک کردن ستون و انتقال بار مرده تاق با استفاده از تیر چوبی به عنوان مهار که متأثر از ستاوند صفوی-گورکانی، در دوران زندیه و قاجاریه رواج می‌یابد (طرح از: فرشاد، ۱۳۷۳: ۱۷۶).

۷. نتیجه‌گیری

در پاسخ به این پرسش که خاستگاه ستاوندهای صفوی کجا بوده و آیا متأثر از ستاوند گورکانی بوده و نقش و تأثیر این عنصر در معماری تالارهای ستوندار ایران پس از صفویه چه بوده است؛ ابتدا نظریه‌ها و آراء پژوهشگران مورد ارزیابی قرار گرفت. کُخ بر این باور است که گرچه نیای اصلی ستاوند گورکانی، تخت جمشید است، ولی از آنجا که ستاوندهای صفوی پس از ستاوند

شاهجهانی ساخته شده‌اند؛ ستاوند صفوی تحت تأثیر معماری گورکانیان هند ساخته شده است. مطالعه سیر تحول ستاوند، در دوران هلنیستی، نشان می‌دهد که گرچه ساخت ستاوندها پس از هخامنشیان، همچنان رواج داشته‌اند، ولی تحت تأثیر معماری بومی منطقه خود نیز قرار داشته و تفاوت‌های آشکاری با نوع هخامنشی می‌یابند. برای مثال: در ستاوند خانه بطلمیوس II (۲۷۴ تا ۲۷۰ پ.م)؛ در آنجا ساختاری به شکل یک هال اصلی (اویکوس) با تعداد ۵×۴ ستون، در وسط یک پری‌استایل (پری‌استایل ساختاری است که سه طرف، به شکل U به فضای باز منتهی می‌شود) ایجاد شده است. هاپو‌استایل خانه بطلمیوس II همانند چادر یا سایبان در مرکز بنا احداث شده و به نوعی پُر کننده فضای میانی پری‌استایل است. ولی در معماری ایرانی پلان پری‌استایل متداول نبوده و ستاوند در جلو یک ساختمان (مانند عالی‌قاپو و چهلستون) در یک محور طولی با چشم‌انداز وسیع ساخته می‌شده است. از این‌رو تفاوت‌های آشکاری در سیر تحول ستاوندها و جانمایی آن در سازه‌ها مشاهده می‌شود که در طبقه‌بندی آنها می‌تواند موثر واقع گردد.

برخلاف کُخ، بابایی به ریشه‌های ایرانی ستاوند صفوی باور دارد. او به بنای آینه‌خانه اصفهان اشاره می‌کند که یک سال پس از ساخت تالارهای ستوندار شاهجهانی، ساخته شده است و خاستگاه ستاوند صفوی را مازندران و تحت تأثیر فردی به نام محمدساروتقی (صدر اعظم) می‌داند که در ساخت اشرف و فرح‌آباد و مرمت حرم امام علی (ع) نظارت و دخالت داشته است.

این نوشته بر این باور است که ساخت ستاوند شاهجهانی متأثر از سه عنصر معماری بومی و تاریخی هند است. این عوامل به ترتیب شامل: سَنَتَگَر (الگوی معماری روستایی و چوبی)، مَنَدَپَه در معابد هند و چادر یا کمپ‌های مغول است که این عناصر در تکوین و شکل‌گیری ستاوند شاهجهانی موثر بوده‌اند. نکته دیگر تأثیر مَنَدَپَه‌ی معابد هندو در ستاوند گورکانی و صفوی است. مَنَدَپَه در نسخه‌های نخستین به شکل یک ایوان ستوندار ساده در جلوی سِلا (گَرَبَه‌گَرِیَه) مشاهده می‌شود. کارکرد این ایوان ستوندار یا مَنَدَپَه، مکان اجتماع پیروان مذهب هندو (که در آن، نماز، مناجات، مدیتیشن یا تفکر و گاه موسیقی و رقص می‌پرداختند) بوده است. مراودات فرهنگی موجب می‌شود، الگوبرداری میان ایران و هند به گونه‌ای در ستاوندهای صفوی نمود کند. ستاوندهای صفوی (مثل آینه‌خانه اصفهان) همزمان و یا یکسال پس از ستاوند شاهجهانی ساخته می‌شود. ولی هر دو گونه ایرانی و هندی، کارکرد بارعام داشته و در آن مراسم گوناگونی از جشن سال نو، تا میلاد پیامبر و ملاقات‌های رسمی انجام می‌شده است. منتهی در ستاوند عالی‌قاپو تأثیر عناصر هندی بیشتر مشهود است. ستاوند عالی‌قاپو مانند مَنَدَپَه معابد هند افزوده و جانمایی شده است. کاخ عالی‌قاپو تزیینات مخصوص به خود دارد. در طبقه ششم عالی‌قاپو اتاق موسیقی بوده که قابل مقایسه با کاخ اَمَبَر در شِش‌مَحال هند است. مطابق منابع تاریخی عالی‌قاپو

به این دلیل نامگذاری شده که درب مزار حضرت علی(ع) به این مکان انتقال داده شده، و به همین خاطر به آن عالی قاپو (درب یا درگاه عالی) می‌گفتند؛ از همان ابتدای ساخت به آن مفهوم قدسی اعطا کرده بودند. در آن سو نیز، شاهجهان درون دیوان عام (ستاوند)، مکانی به نام جَهْرُوکه درُشأن ایجاد می‌کند که جایگاه قدسی به آن می‌بخشد. این قدسیت در نگاره‌های مکتب گورکانی، به شکل هاله‌ای قدسی بر سر امپراتوران گورکانی زمانی که در تالار بارعام است؛ مشاهده می‌گردد. در عالی‌قاپو نیز ستاوند به مثابه یک مَنَدَپَه تعبیه شده و وجود طبقات با فضاهای متعدد با کارکرد گوناگون مکمل شکل مفهومی معبد یا قدسی بودن عالی‌قاپو دارد که با ستاوندهای دیگر صفوی تفاوت بیشتری دارد.

محبوبیت ستاوند صفوی-گورکانی در ایجاد فضاهای وسیع با ستون‌های باریک و سبک، موجب می‌شود که پس از صوفیه در دوره زندیه و قاجار یک گونه دیگر از تالارهای ستوندار در شبستان مساجد ایجاد شود که پیرو ستاوندهای عالی‌قاپو چهلستون بوده است. در گونه جدید به جای ساخت شبستانی با ستون‌های عریض و ضخیم با سقفی گنبدی سنگین؛ برای کنترل بار مرده سقف که از خشت و گل بوده، از چوب بست‌های مهار به شکل تارعنکبوتی در پاکار بناها استفاده شده و ستون‌ها باریک می‌شوند.

تعارض منافع

نویسندگان متعهد می‌رود مقاله تعارض منافع ندارد. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است.

پی‌نوشت

¹ - Veranda.

² - Portico.

³ - Porch.

⁴ - ha-ha-da-na.

⁵ - ap-pa-da-an.

^۶ تاریخ ساخت تالار طویله مشخص نیست، ولی برای نخستین بار خواجگی اصفهانی در سال ۱۰۴۷/۱۶۳۷ از برگزاری جشن نوروز از آن یاد می‌کند (بابایی، ۱۳۹۸: ۲۵۵).

^۷ Mardun-I sahib-I vuqūf.

^۸ Sikandra.

^۹ jharoka- I darshan.

- ^{۱۰} -مولتی لوبد multi-lobed یا مولتی فویل یا مرغالداری Marghūlār، نوعی تاق در هند و اندلس است که دارای طرح‌های گیاهی است به آن مولتی فویل یا چند برگی هم می‌گویند. در معماری موری‌های اندلس و گورکانیان هند مشاهده می‌شود.
- ^{۱۱} - Krautheimer.
- ^{۱۲} -Aziz Koka.
- ^{۱۳} -Chaunsath Khamba.
- ^{۱۴} -Patthar.
- ^{۱۵} -پیتر دورا Pietra dura: در فارسی به آن پرچین کاری گویند. نوعی منبت کاری است.
- ^{۱۶} - عرض به معنای دیدن، نشان دادن و گفتن استفاده شده است. عرض اوده‌سی Arz Odasi؛ به معنای اتاقی است که در آن بارعام داده می‌شده است. اصطلاح عرض لشکر به معنای سان بوده که از سده‌های نهم و دهم واژه سان رواج می‌یابد (نک: دوانی، ۱۳۸۷: ۱۵). عرض اوده‌سی به معنای اتاق عرض است. در دربار عثمانی، عرض به زمانی که نامه یا پیامی به سلطان می‌رسانند گفته می‌شد، این ملاقات اطلاع رسانی، در تالار بارعام یا دیوان عام که به آن عرض اداسی یا اتاق عرض گفته می‌شد.
- ^{۱۷} -Arz.
- ^{۱۸} -Santhagar.
- ^{۱۹} -Udayagiri.
- ^{۲۰} -Natamandira.
- ^{۲۱} -Gulāl Bār.
- ^{۲۲} -Chandova.
- ^{۲۳} -Choholdar.

منابع

- ابن بطوطه (۱۳۳۷). *سفرنامه ابن بطوطه*. ترجمه محمد علی موحد، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اولتاریوس، آدام (۱۳۶۹). *سفرنامه آدام اولتاریوس؛ اصفهان خونین شاه صفی*. جلد دوم. مترجم: حسین کردبچه، تهران: شرکت کتاب برای همه.
- بابایی، سوسن (۱۳۹۸). اصفهان و کاخ‌هایش. ترجمه‌ی مصطفی امیری. تهران: فرهنگ جاوید.
- بلالی اسکویی، آریتا؛ آشتیانی، حمیدرضا (۱۳۹۹). بررسی سیر تحول و خاستگاه تالارهای ستون دار در معماری مساجد چوبی آذربایجان. *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، دوره ۱۰، شماره ۳۴، خرداد ۱۳۹۹، صفحه ۲۰۷-۲۲۵.
- بلوری‌بناب، فاطمه (۱۳۹۵). *بررسی تطبیقی معماری چوبی ستون‌دهای مساجد بناب و کاخ‌های اصفهان در عصر صفوی نمونه‌های موردی: کاخ‌های چهلستون و عالیقاپوی اصفهان و مساجد میدان و مهرآباد بناب*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: علی زمانی فرد. دانشگاه هنر تهران (منتشر نشده).
- پهلوانزاده، لیلیا (۱۳۹۴). *میراث اصفهان؛ قاجار تا پهلوی به روایت تصویر*. اصفهان: معمار خانه باغ نظر
- تحویلدار، میرزا حسن خان (۱۳۹۸). *جغرافیای اصفهان*. اختران. تهران.

- حیدری، احمد (۱۴۰۱). حکمت و هنر مقدس مَندَلَه؛ تحلیل نقشه واسطو پوروشه مَندَلَه و تأثیر و ارتباط آن در ساختار معماری آتشکده‌ها. *کیمیای هنر*، دوره ۱۱، شماره ۴۴، ۷۱-۵۵.
- خیری، سیروس (۱۳۸۵). *معماری و تزیینات ستاوندهای چوبی دوره صفویه در آذربایجان*. جلد اول: مراغه. تبریز: مهر آزادی.
- (۱۳۸۵). *معماری و تزیینات ستاوندهای چوبی دوره صفویه در آذربایجان*. جلد دوم: شهرستان‌های عجب‌شیر، آذرشهر، اسکو، ممقان، گوکان و خسروشهر. تبریز: مهر آزادی.
- دوانی، علامه جلال‌الدین (۱۳۸۷). رساله عرض. تصحیح انتقادی: محمود ریحانی. اصفهان: تحقیقات نظری. دهمشگی، جلیل؛ جانزاده، علی (۱۳۶۶). *جلوه‌های هنر در اصفهان*. اصفهان.
- سلطانزاده، حسین (۱۳۹۰). نمادگرایی در تاج محل. *هویت شهر*، سال پنجم، شماره نهم ۴۸-۷۳.
- (۱۳۷۸). *تداوم طراحی باغ ایرانی در تاج محل*. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- (۱۴۰۰). *معماری ایران در دوره اسلامی - مفاهیم، الگوها و آثار*. چاپ دوم. قزوین: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.
- علامی، ابوالفضل بن مبارک (بی‌تا). *آیین اکبری*. چاپ سنگی.
- فرشاد، مهدی (۱۳۷۳). *تاریخ مهندسی در ایران*. بنیاد نیشابور، تهران.
- کخ، ابا (۱۳۷۳). *معماری هند در دوره گورکانی*. حسین سلطان زاده، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
- (۱۳۹۵). *دیوان عام چهل‌ستون: بارگاه‌های شرفیابی شاهجهان، میترا سرحدی، اطلاعات حکمت و معرفت*، سال یازدهم، شماره ۸، ۲۲-۲۸.
- کُنبو، محمد صالح (۱۹۱۴). *عمل صالح یا شاهجهان نامه*. جلد سوم. ترتیب و تحشیه: دکتر غلام یزدانی. ترمیم و تصحیح: دکتر وحید قریشی. لاهور: زرین آرت پریس.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۸۹). *تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی*. تهران: سمت.
- گودوین، گادفری (۱۳۸۸). *تاریخ معماری عثمانی*. اردشیر اشراقی. تهران: موسسه تالیف و نشر آثار هنری متن.
- لاهوری، عبدالحمید (۱۸۶۷ م). *پادشاهنامه*؛ در احوال ابوالمظفر شهاب‌الدین محمد شاهجهان پادشاه، جلد اول، کلکته: کالج پریس.
- موسوی کوهپر، سید مهدی؛ محمدی، محمدرضا؛ شاه‌رخ، آناهیتا (۱۳۹۳). *هنر و معماری ایرانی در ابنیه اسلامی داغستان مطالعه موردی: بررسی شباهت‌های هنری و معماری بومی مازندران با جنوب داغستان*. پژوهش‌های ایران‌شناسی. دوره ۴، شماره ۲، پیاپی ۲، ۱۰۳-۱۲۲.
- هالاید، مادلین (۱۳۷۶). *هنر هندو ایرانی*. در *تاریخ هنر ایران* ۴. ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی.
- هرمان، جورجینا (۱۳۷۳). *تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان*. ترجمه مهرداد وحدتی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- هنر فر، لطف الله (۱۳۵۰). *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*. چاپخانه زیبا، تهران.

- هنرفر، لطف‌الله (۱۳۵۱). کاخ چهلستون. هنر و مردم، شماره ۱۲۱، ۳-۳۱.
- (۱۳۵۱). هشت بهشت اصفهان. هنر و مردم، شماره ۱۱۷، ۲-۱۶.
- هوگی، هانس (۱۳۷۹). قلعه دختر آتشکده. ترجمه فرزین فردانش. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- Abdi Pasa. (2008). *Vekayi'-Name* [Osmanlı T.rihi (1648-1682)], ed. Fahri C., Derin, Istanbul.
- Alfieri, Bianca Maria. (1999). *Islamic Architecture of the Indian Subcontinent*, LAURENCE KING; 1st edition.
- Allen, Margaret Prosser. (1991). *Ornament in Indian Architecture*. University of Delaware Press.
- Ansari, Mohammad Azhar. (1974). *Social Life of the Mughal Emperors, 1526-1707*, Published by Shanti Prakashan Allahabad & New Delhi.
- Babaie, S. (2013). *Isfahan and its Palaces*. Edinburgh University Press.
- Baird, J.A. (2014). *The Inner Lives of Ancient Houses: An Archaeology of Dura-Europos*, Oxford University Press, ISBN: 9780199687657.
- Cleveland Milo & Koch, Ebba. (1997). *King of the world: the Padshahnama: an imperial Mughal manuscript from the Royal Library, Windsor Castle*, Published by Azimuth Editions/Sackler Gallery
- Eldem, S. H. (1954). *Türk Evi Plan Tipleri* (p. 11-27). Istanbul: Istanbul Teknik Üniversitesi Mimarlık Fakültesi.
- Emir, S. (1994). *Erken Osmanlı Mimarlığında Çok-İşlevli Yapılar: Kentsel Kolonizasyon Yapıları Olarak Zaviyeler*. İzmir: YAYIN EVİ.
- Fletcher, Sir. Banister. (1992). *The History of Architecture*. New Delhi: CBS Publishers and Distributors.
- Hanne, Eric. (2013). *Ritual and Reality: The Bay'a Process in Eleventh- and Twelfth-Century Islamic Courts, Court Ceremonies and Rituals of Power in Byzantium and the Medieval Mediterranean* Managing Editor: Frances Andrews St. Andrews, vol: 98, 141-158.
- Henkelman, Wouter F. M. (2017). Imperial Signature and Imperial Paradigm: Achaemenid administrative structure and system across and beyond the Iranian plateau. in: *Die Verwaltung im Achämenidenreich*. Edited by Bruno Jacobs, Wouter F. M. Henkelman, Matthew W. Stolpe Harrassowitz Verlag . Wiesbaden. 45-256.
- Henning, W.B. (1944). Brāhman. *TPS*. 108-118.
- Herdeg, Klaus. (1991). *Formal Structure in Islamic Architecture of Iran and Turkistan*. Publisher: Rizzoli.
- Husain, Muhammad Asharaf. (1937). *An Historical Guide to the Agra Fort*, Delhi.
- Gasche, Hermann. (2012). *Modeles de l'IWAN dans l'Architecture Achemenide. Un Impaziente Desiderio di Scorrere il Mondo, Studi in onore di*

Antonio Invernizzi per il suo settantesimo compleanno, a cura di Carlo Lippolis e Stefano de Martino. Le Lettere. Firenze: 177-185.

Gangler, Antte. Gaube, Heinz. Petruccioli, Attolio. (2004). *Bukhara: The eastern Dome of Islam Urban Development Urban Space Architecture and Population*, Publisher : Edition Axel Menges.

Grover, Satish. (1980). *The Architecture of India: Buddhist and Hindu*. Vikas Publishing House PVT LTD.

Koch, Ebba. (1983). Jahangir and the Angels: Recently Discovered Wall Paintings under European Influence in the Fort of Lahore. In *India and the West: Proceedings of a Seminar Dedicated to the Memory of Hermann Goetz*, edited by J. Deppert, 173-95. New Delhi: Manohar.

-----.(1994). Diwan-I Amm and Chihil Sutun. *The Audience Halls of Shah Jahan, Muqarnas* 11, 143-165.

-----.(1988). Shah Jahan and Orpheus: The Pietre Dure Decoration and the Programme of the Throne in the Hall of Public Audiences at the Red Fort of Delhi, Graz.

-----.(2001). "Diwan-I Amm and Chihil Sutun: The Audience Halls of Shah Jahan", *Mughal Art and Imperial Ideology*, Oxford, 2001, 229-255.

-----.(2011). The Mughal Audience Hall: A Solomonian Revival Of Persepolis In The Form Of A Mosque. In: *Royal Courts in Dynastic States and Empires: A Global Perspective*. by: Jeroen Duindam. Tülay Artan. Metin Kunt. 313-338.

-----.(2014a). The wooden Audience Halls of Shah Jahan: Sources and Reconstruction, in: *Muqarnas; An Annual on the Visual Cultures of the Islamic World Celebrating Thirty Years of Muqarnas*, Editor Gulru Necipoglu, Volume 30, Leiden. Boston. 351-389.

-----.(2014b). *Mughal Architecture: An Outline of its History and Development (1526 – 1858)*. Munich: Prestel.

-----.(2019). The Mughal Audience Hall. A Solomonian Revival of Perspolis in the Form of a Mosque. in: *The Ceremonial of Audience*, Veröffentlichungen der Bonn University Press, 143-168.

Kollatz, Anna. (2019). Where is 'the audience'? Who is 'the audience'? Approaching Mughal spaces of social interaction. in: *Eva Orthmann and Anna Kollatz (eds.) The Ceremonial of Audience, Transcultural Approaches*, Veröffentlichungen der Bonn University Press, 169-208.

Krautheimer, Richard. (1942). Introduction to an Iconography of Medieval Architecture. *Journal of the Warburg and Courtauld Institutes*. vol.5. Published by: The Warburg Institute. 1-33.

- Kreiser, Klaus. (1982). Zwei unbekannte Beschreibungen des Serails von Edirne aus den Jahren.1740/1, in: Osmanlı Aras,tırmaları/*Journal of Ottoman Studies III*, 119–142.
- Kütükoğ'lu, Mübahat. (1991). Arz, in: *Türkiye Diyanet Vakfı İsl.m Ansiklopedisi* 3 (1991),438–440.
- Mumcu,Ahmet. (1994). Divān -ı Hümāyun, in: *Türkiye Diyanet Vakfı İsl.m Ansiklopedisi* (1994), 130–132.
- Nielsen,Inge. (1994). *Hellenistic Palaces: Tradition and Renewal*,Aarhus University Press. the University of Michigan.
- Nur Bakhsh. (1904). “Historical Notes on the Lahore Fort and its Buildings,” in *Annual Report of the Archaeological Survey of India* .218.
- Reuther, O. (1910). Das Wohnhaus in Bagdad und Anderen Stadten Des Irak, Berlin: Verlag Von Ernst Wasmuth, A.G.
- (1925). Indische Palaste und Wohnhduser.Berlin:Leonhard Priess.
- Reindle-Kiel, Hedda. (2019). Audiences,Banquets,garments and kisses.Encounters with the Ottoman Sultan in the 17th century, in: *Eva Orthmann and Anna Kollatz (eds.)*
- The Ceremonial of Audience, Transcultural Approaches, Verçffentlichungen der Bonn University Press,169-208.
- Sanderson,Gordon. Shuaib, Maulvi. (2000). *Delhi Fort: A Guide to the Buildings and Gardens*,Hardcover. Published by Laurier Books Ltd.New Delhi-Madras.
- Shahbazi, Shapur.A. (1977). illustrierte beschreibung von persepolis mit gefalteter grundrißkarte als beilage band nr. 3.
- Stierlin,Henri.(1936). *Architecture de l'Islam - De l'Atlantique au Gange*. Ed. Office du Livre,Fribourg.
- Tadgell, Christopher. (2008). *Islam: From Medina to the Maghreb and from the Indies to Istanbul*.Routledge.
- Studniczka, Franz. (1914). *Das Symposion Ptolemais II*(Abh Leipzig 30.2),Leipzig.
- Welch, Anthony and Crane, Howard(1983).“The Tughluqs: Master Builders of the Delhi Sultanate,” *Muqarnas* 1, 148–49.
- Whitcomb,D. (2002). “Khirbat al-Karak identified with Sinnabra”, *Al-‘Uşūr al-Wusṭā* 14, 1–6.
- Wright, G.R.H. (1991). *Abu Qubur: The Parthian building and its affinities*, Northern Akkad Project Reports, 7, 75-91.
- Wüst,Walther. (1966). *Altpersische Studien*, Munich, Edité par Kitzinger.